



فعالتهای فکری و سیاسی

فرقه زیدیه در ایران

(۳)

جریانهای فکری زیدیه «زیدیان»

بعد از مرگ علی بن حسین (ع) ، امام چهارم شیعیان (۹۴ یا ۹۵ هجری) در میان آنان انشعابی تازه پدید آمد و گروهی که از عدم فعالیت سیاسی ابو جعفر محمد باقر فرزند علی بن حسین (ع) ، امام پنجم شیعیان ، و اشتغال مستمروی به امور دینی ناراضی بودند ، کرد برادر پر شور و فعال اوزید بن علی بن حسین (ع) جمع شدند ، بدانگونه که یاد شد ، زید طرفدار اقداماتی قاطع بر ضد امویان بود ، از این رو بدعوت شیعیان کوفه « پایتخت خلافت علی بن ابیطالب علیه السلام » از مدینه به آنجا رفت تا قیام ایشان را بر ضد هشام بن عبدالملک خلیفه اموی رهبری کند. این قیام ده ماه طول کشید و سرانجام ، بطوریکه میدانیم سرکوب شد . زید بن علی بهنگامه پیکار به تیر دشمن از پای درآمد و تن او را در کوفه مصلوب کردند و سر بریده اش را گاه در دمشق و گاه در مدینه بر ستونی آویختند و در معرض تماشای عموم قرار دادند .

از این تاریخ (۱۲۱ یا ۱۲۲ هجری) به بعد ، طرفداران زید فرقه ای جداگانه از شیعیان را تشکیل دادند. شیعیان امامیه ، یعنی آنان که امام محمد باقر و امام جعفر صادق

* آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع) مدیر عامل شرکت مؤلفان و مترجمان ایران از تاریخ نویسان محقق معاصر

علیهما السلام و اخلاف ایشان را به امامت قبول دارند ، مخالف زیدیه بودند . زیدیه ، زید بن علی بن حسین (ع) را امام پنجم می شناسند ، ولی دور نیست که این عقیده پس از زندگی حماسی و شهادت دلیرانه او ، پیدا شده باشد زیرا در جایی دیده نشده است که زید بن علی خود خویشتن را ، امام نامیده باشد .

زیدیه نیز مانند دیگر شیعیان معتقد بودند که علی بن ابیطالب «ع» بیش از دیگر صحابه پیامبر اسلام مستحق امامت بوده است و این نه بخاطر خویشاوندی با رسول خدا ، بلکه از لحاظ قدوسیت و صفات عالیه روحانی خود اوست یعنی صفاتی که هم شیعیان و هم مخالفان هر دو برای آن حضرت قائل بودند . ولی زیدیه برای امامان صفات خاص قدوسی و ظهور و تجلی الهی و یا علوم غیبی قائل نبودند . مفهوم زیدیه در مورد امامت به مفهوم سنیان خیلی نزدیک بود ، زیرا آنان می گفتند امام مدافع دین و جماعت اسلامی است ولی به هیچ وجه قائم در روحانی و قدسی مرتبت و معصوم نباشد . زیدیه ، مانند دیگر شیعیان ، معتقدند که امام باید از خاندان پیامبر یعنی «اهل بیت» باشد . اما برخلاف شیعه امامیه ، جانشینی پسر را به جای پدر شرطی ضرور نمی دانند . طبق تعلیمات ایشان جماعت می تواند هر یک از اعضاء دودمان علوی را ، اعم از حسینیان یا حسنیان ، بر حسب صفات شخصی وی ، به امامت برگزیند . به عقیده زیدیه کسی از علویان را باید به امامت برگزید که خویشتن را عنصری فعال و پیشوائی صاحب اراده نشان دهد و بتواند شناخت حقوق خود را از سوی مردم کسب کند ، یا به بیان دیگر مقام خلافت را تملیک و تسخیر سازد . زیدیه وجود چندین امام را ، در آن واحد ، در ممالک مختلفه اسلامی جایز می دانند ، بشرطی که استقرار رابطه میان آن کشورها دشوار باشد و یا اینکه به تشکیل دولتهایی جداگانه در آن سرزمینها موفق شده و امامان علوی را در رأس آن دولتها مستقر کرده باشند . زیدیه با سنیان بیش از دیگر شیعیان مدارا می کردند ، بدان حد که دو خلیفه نخستین اسلام یعنی ابوبکر و عمر را لعن نمی کنند ، ولی عثمان را محکوم میسازند . آنان در این که ابوبکر و عمر ، برخلاف قاعده و قانون به خلافت انتخاب شدند با دیگر شیعیان توافق دارند ، ولی معتقدند از این امر که بگذریم این دو کس افراد شایسته و خدمتگزار اسلام بوده اند . زیدیه ویژگیهای دیگری را نیز حایزند که ایشان را به سنیان نزدیک می کند ، مانند نظر منفی به تقدس اولیاء الله و عرفان (صوفیگری) . بعدها سنیان و شیعیان امامیه از رد این دو موضوع صرف نظر کردند . ولی زیدیه در عقیده خویش باقی ماندند . زیدیه نظر دیگری را که بعدها مورد قبول اکثر سنیان قرار گرفت نمی پذیرند مبنی بر اینکه حتی کسانی که گناه کبیره مرتکب شده و بی توبه مرده اند ، اگر مسلمان مؤمن باشند عذاب جهنم در مورد ایشان به طور موقت اعمال خواهد شد ، به عبارت دیگر وجود «اعراف» و «آتش پاک کنند» را نفی می کنند . زیدیه تنها شاخه ای از شیعه هستند که اصل (تقیه) یا پنهان داشتن معتقدات را قبول ندارند . عدم

قبول اصل تقيه نتیجه الزامات اخلاقی بوده است که زیدیه برای افراد فرقه خویش قائل بودند و از آنان می‌خواستند که فعال باشند و برای پیروزی جماعت خویش بکوشند. زیدیه مشروع بودن متعصیان یا صیغه منقطعه را هم که برای مدتی محدود منعقد می‌شود قبول ندارند در صورتیکه شیعیان امامیه جایز می‌شمارند .

فرقه‌های زیدیه

زیدیه ، اسم عمومی جمیع فرقه‌هایی است که بعد از حضرت امام علی بن حسین ملقب به زین العابدین علیه السلام ، بجای امام محمد باقر ، (ع) پسر دیگر آن حضرت یعنی زید بن علی بن حسین (ع) را که شرح شهادتش پیش از این یاد شد امام دانستند .^۱
برخی از مورخان از جمله صاحب بیان الادیان ، زیدی‌ها را پنج فرقه میدانند: مغیریه جارودیه - ذکریه - خشبیه و خلفیه .^۲

مسعودی ، زیدیان را هشت فرقه دانسته و درباره آنان چنین نوشته است : «جمعی از مؤلفان کتب مقالات و آرا و دیانات چون ابو عیسی محمد بن هارون و راق و دیگران گفته اند که : زیدیه بدوران آنها هشت فرقه بوده اند . فرقه نخست جارودیه ، یعنی اصحاب ابوالجارود ، زیاد بن مندر عبیدی که می‌گفتند امامت خاص فرزندان حسن و حسین است . فرقه دوم مرثدیه ، فرقه سوم ابرقیه و فرقه چهارم یعقوبیه که یاران یعقوب بن علی کوفی بودند . فرقه پنجم عقبیه و فرقه ششم ابتزیه که یاران کثیر ابتر و حسن بن صالح بن یحیی بودند . فرقه هفتم جریریه یعنی یاران سلیمان بن جریر و فرقه هشتم یمانیه یعنی یاران محمد بن یمان کوفی . اینان به مذهب افزودند و مذهبهای تازه بر اصول سابق خویش بنیاد کردند .»^۳

در کشف اصطلاحات الفنون شرح سه فرقه زیدی را چنین شرح میدهد : زیدیه گروهی از شیعه اند منسوب به زید بن علی بن الحسین علیه السلام و آنان سه فرقه هستند :
فرقه اول جارودیه . اصحاب ابی الجارود که حضرت امام محمد باقر علیه السلام نام او را (سرحوب) نهاده بود ، یعنی شیطان علیه اللعنه و الخذلان و میفرمود که مسکان او در دریاست . این فرقه به نص فرمایش پیغمبر ، صلی الله علیه و آله وسلم ، امامت را بعد از پیغمبر مخصوص امیر مؤمنان علی بن ابیطالب و سیدی شباب اهل الجنة امام حسن و امام حسین علیه السلام میدانند و یاران پیغمبر را چون به امیر مؤمنان اقتدا نکردند کافر میشناسند و پس از حسنین ، امامت را بر طریق شوری ، بین اولاد آن دو وجود مقدس واجب می‌شمارند . بدین طریق که هر یک از فرزندان آن دو بزرگوار که دانایتر و پهلوان‌تر بود و با شمشیر و قهر و غلبه بر دیگران خروج کرد و غلبه یافت امامت او راست و در امام منتظر اختلاف

کرده اند که او محمد بن عبدالله بن الحسین بن علی است که زنده و کشته نشده است یا محمد بن القاسم بن علی بن الحسین . یا یحیی بن عمر صاحب کوفه می باشد (از احفاد امام زین العابدین علیه السلام)

فرقه دوم ، سلیمانیه ، یاران سلیمان بن جریر ، که گفته اند امامت باید در بین خلق به طریق شوری صورت گیرد و عقدا امامت به دومرد از خیار مسلمانان باید منعقد شود . و امامت مفضول بر فاضل صحیح و درست باشد و ابوبکر و عمر هر دو امام بوده اند و هر چند امت در بیعت با آن دو با وجود امیر مؤمنان خطایی را مرتکب شده اند . اما نظر به آنکه این خطا به فسق منجر نشده قابل عفو و چشم پوشی است و عثمان و طلحه و زبیر و عایشه را تکفیر کرده اند .

فرقه سوم ، بتیریه ، یاران بتیر ثومی میباشند و با سلیمانیه در عقیده موافقت دارند . جز آنکه درباره عثمان متوقف شده اند . این بود سه فرقه زیدیه و بیشتر آنان در زمان مامقند میباشند . و در اصول عقاید به مذهب اعتزال و در فروع به مذهب حنفیه مراجعه کنند . جز در اندکی از مسائل .

زیدیان در عبادات و بعضی از مسائل که مایه تمایز شیعه و سنی است روش شیعه را دارند ، مانند (حی علی خیر العمل) گفتن در اذان ، پنج بار تکبیر گفتن در نماز میت . نخوردن ذبیحه نامسلمان و غیر اینها . زنا شوئی با غیر زیدی و زواج متعه را جایز نمی دانند . شرایط اصلی امام در مذهب زیدیه عبارت است از اینکه از اهل بیت پیغمبر باشد «خواه از نسل امام حسن ، خواه از نسل امام حسین» . بنا بر این امامت ارثی نیست . امام باید بشخصه به جنگ و دفاع قادر باشد و از این رو کودک یا مهدی غایبی را به امامت قبول ندارند . امام باید عالم در علم دین باشد . در نتیجه این شرایط نزد زیدیه ، کوشش شخصی عامل قطعی برای رسیدن به مقام امامت عامل قطعی بشمار رفتند و سلسله پیوسته امامان پیدا نشده و حتی زیدیه گاه بی امام بوده اند و گاه وجود بیش از یک امام را در یک زمان پذیرفته اند .^۴
(دنبالدارد)

۱ - خاندان نوبختی تألیف شادروان استاد عباس اقبال آشتیانی صفحه ۵۰

۲ - بیان الادیان ، یادداشت بخط مرحوم علی اکبر دهخدا

۳ - مروج الذهب و معادن الجواهر تألیف ابوالحسن علی بن حسین مسعودی ترجمه ابوالقاسم

یابنده جلد دوم صفحه ۲۱۱

۴ - عیون الاخبار جلد دوم صفحه ۱۴۵ - البیان والتبیین جلد سوم صفحه ۵۳